

آیات قرآن و حضرت مهدی (ع)

نیمه کیوان نژاد

چکیده

آیات مرتبط با حضرت مهدی (ع) بسیار است. از جمله مهم ترین و برجسته ترین آیات در این زمینه، آیه اظهار دین است که در آیه ۳۳ سوره توبه و ۹ سوره صف عیناً و در ۲۸ سوره فتح با اندک تفاوت تکرار شده است. مفسران درباره تحقق این آیات دو دیدگاه دارند. برخی تحقق آن را در همان عصر رسالت و در امتداد آن دانسته اند و برخی تحقق آن را منحصر به زمان ظهور امام حضرت مهدی (ع) و نزول حضرت عیسی (ع) دانسته اند. از مجموع بررسی لغوی آیات، سیاق آیات و روایات نتیجه می شود که تحقق آیه منحصر به زمان ظهور است. کلید واژه ها: مهدی (ع)، مهدویت، چیرگی دین، اظهار دین، ظهور.

مقدمه

آیات مهدویت را در قرآن کریم به لحاظ محتوایی می توان سه دسته نمود: دسته نخست: آیات درباره شناخت ماهیت نهضت امام مهدی (ع)؛ دسته دوم: آیات شخصیت شناسی امام مهدی (ع)؛ دسته سوم: آیات پیرامونی موضوع مهدویت؛ مثل موضوع رجعت، انتظار، غیبت و ... با درنگ در آیات وحی و نیز بررسی احادیث

فریقین درباره سطح معارف آیات پیرامون موضوع مهدویت، می توان این معارف را دو دسته کرد: مهدویت در سطح ظواهر و مهدویت در سطح بطون.^۱

آیات اظهار دین از آیات بسیار برجسته در زمینه مهدویت بین فریقین در ارتباط با خروج امام مهدی (ع) و نزول حضرت عیسی (ع) است. دکتر نجارزادگان در بخشی از کتاب خود، به بررسی تطبیقی دیدگاه ها در ذیل این آیات میان فریقین پرداخته اند. در قسمتی از کتاب «قرآن و ظهور حضرت مهدی (ع)» نوشته علی اصغر رضوانی نیز بررسی مختصری پیرامون این آیه انجام شده است. هر یک از مفسران نیز ذیل این آیه به بیان روایات مرتبط با آن یا ارائه دیدگاه جزئی پیرامون آن پرداخته اند. با وجود این تحقیق ها و مطالعه ها نیاز است که یک بررسی جامع بدون تطبیق دیدگاه فریقین و با در نظر گرفتن سیاق آیات و جمع روایات فریقین، پیرامون تحقق آیه صورت گیرد. در این راستا از تقسیم بندی دیدگاه های مفسران که دکتر نجارزادگان انجام داده اند، استفاده می شود.

مفهوم شناسی واژگان آیات سیطره دین

«يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُشِيعَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (التوبة، ۹/ ۳۳-۳۲)؛ «خواهند فرو نشانند پرتو خدا را با دهان های خود و نخواهد خدا مگر به انجام رساند پرتو خویش را و اگر چه ناخوشی دارند کافران * اوست آن که فرستاد رسولش را به هدایت و دین حق تا چیره گرداندش بر کیش ها همگی و هر چند نپسندند مشرکان».

سه آیه از قرآن کریم «التوبة، ۹/ ۳۳؛ الصّٰف، ۶۱/ ۹؛ الفتح، ۴۸/ ۲۸» در ارتباط با سیطره دین است که لغات و واژگان مهمی دارد و در این بخش به بررسی آن ها می پردازیم.

یأبى: از ماده «أ. ب. ی» و مصدر آن «إبأ» به معنای امتناع نمودن و اکراه داشتن است.^۲ إبأ، شدت امتناع است و هر إبائی، امتناع؛ ولی هر امتناعی إبأ نیست.^۳

يَتِمُّ وَيُتِمُّ: يتم فعل مضارع و متم اسم فاعل از مصدر تمام و ریشه «ت. م. م» است. تمام شدن چیزی، به نهایت رسیدن آن است به اندازه ای که به چیزی خارج از آن نیاز نباشد.^۴

هدی: هدایت، خلاف گمراهی^۵ و راهنمایی همراه با لطف است.^۶ عموماً مفسران،

این هدایت را حجت ها و دلایل روشنی^۷ دانسته اند که مردم را به بهشت می رساند.^۸
دین الحق: دین از ماده «د. ی. ن» است. برخی گفته اند «دیان» بر وزن فعّال به معنای وادارنده مردم بر اطاعت است و وقتی گفته می شود: دَنُّهُمْ فدانوا. به این معنا است که آنان را وادار می کند؛ پس اطاعت می کنند و وقتی گفته می شود: تَدِينُ لَهُمُ بِهَا الْعَرَبُ. به این معنا است که کلمه ای است که باعث می شود آنان را اطاعت کند و برایشان خضوع کند.^۹ در نتیجه در نظر ایشان اصل معنایی دین، قهر و غلبه و نتیجه آن اطاعت و خضوع است. در دیدگاه برخی دیگر دین، اطاعت و جزا است و برای شریعت به استعاره به کار می رود.^{۱۰} مراد از ترکیب دین الحق به اتفاق مفسران، دین اسلام است.^{۱۱}

لیظهره علی: لیظهره، از ماده «ظ. ه. ر» است و ظُهر خلاف بطن است؛ یعنی: بخش آشکار و بارز هر چیز. ظُهور؛ پیروزی یافتن بر چیزی و اطلاع یافتن بر آن است و «ظُهرًا علی العدو»؛ یعنی: بر دشمن پیروزی یافتیم و «اللَّهِ أَظْهَرْنَا عَلَيْهِ»؛ یعنی خداوند ما را بر دشمن آگاه نمود.^{۱۲} ظُهرَ علی و ظاهر، هر دو به معنای یاری رسانی است.^{۱۳}

دیدگاه های مفسران درباره مرجع ضمیر در لیظهره

درباره مرجع «هاء» ضمیر مفعولی در «لیظهره» دو نظر است: طبق یک نظر مرجع رسول و دیگری مرجع دین است. در این زمینه برخی ابتدا دیدگاه خود را که مثلاً بازگشت به دین اسلام است مطرح نموده و سپس روایاتی در باب هر دو نظر مطرح می کنند.^{۱۴} برخی هم تنها دیدگاه بازگشت ضمیر به دین را مطرح می کنند و روایاتی در تأیید آن بیان می کنند.^{۱۵} برخی از مفسران تنها به این دو نظر اشاره کرده و هیچ نقد و نظری پیرامون آن ها ارائه نداده اند.^{۱۶} برخی نیز پس از بیان دو دیدگاه با وجود این که صراحتاً نقد و ردّ و پذیرشی نسبت به آن دو دیدگاه ارائه نکرده اند؛ اما روایاتی را در پی آن مطرح نموده اند که مؤید بازگشت ضمیر به دین الحق است.^{۱۷} برخی دیگر تنها یک نظر را نقل کرده اند و احتمالاً خود با صاحب سخن هم نظر بوده اند؛ مثلاً شیخ طوسی نظر بازگشت ضمیر به رسول (ص) را که معنای آن اطلاع پیدا کردن رسول بر شرایع اسلام است، بدون تأیید یا ردّ نقل نموده اند.^{۱۸} برخی نیز با استدلال بر سیاق، بازگشت ضمیر به دین الحق را تأیید می کنند و دیدگاه دیگر را با توجه به معنای آن، که مطلع شدن پیامبر (ص) از نشانه های دین است؛ بعید دانسته اند.^{۱۹}

دیدگاه های مفسران درباره تحقق معنای آیه

هر یک از مفسران، با توجه به اختلاف دیدگاهی که نسبت به بازگشت ضمیر، سیاق آیات و روایات دارند؛ درباره تحقق معنای آیه نیز دیدگاه های مختلفی دارند. دیدگاه های آنان را می توان در دو گروه زیر جای داد:

الف: دیدگاه سیطره دین حق در عصر رسالت و امتداد آن: چندی از مفسران، آیات مورد بحث را مرتبط با عصر رسالت پیامبر اکرم (ص) می دانند. از نظر برخی مثل شیخ طوسی در آیه به خاطر این که متضمن وعده به ظهور اسلام بر سایر ادیان است، دلالتی بر صدق نبوت حضرت محمد (ص) وجود دارد^{۲۰}. در دیدگاه برخی، ظهور چیزی بر چیزی گاه با حجت و برهان و گاه با فراوانی و کثرت و گاه با غلبه و برتری است و معلوم است که خداوند به ظهور بشارت داده است و تنها جایز است به امری در آینده که واقع نشده است، بشارت داده شود و ظهور این دین با حجت قبلا واقع شده است؛ پس اجمالا ظهور با غلبه مراد است. از احتمالات مطرح در نظر فخر رازی، مصداق ظهور در آیه، پیروزی یافتن اسلام بر سایر ادیان، گرچه در بعضی مواضع است و این در زمان رسالت با پیروزی بر یهود و مسیحیان و مجوس و بت پرستان در برخی شهرها محقق شد و این خبر غیبی، از معجزات قرآن است. یک احتمال دیگر در نظر ایشان این است که اسلام بر همه ادیان در جزیره العرب، غلبه می یابد و این حاصل شده است؛ پس خداوند کسی از کافران را در آن باقی نگذاشت. یک احتمال دیگر آگاهی یافتن پیامبر (ص) از همه محتوای دین است. یک احتمال دیگر مطابق روایت ابوهریره است که گفت: این وعده ای از جانب خدا است تا اسلام را برتر از همه ادیان قرار دهد و تحقق کامل آن، هنگام خروج عیسی (ع) است. و نیز مطابق روایتی از سدی است که گفت: آن هنگام خروج مهدی (ع) است که همه یا مسلمان می شوند و یا خراج می پردازند. یک احتمال هم ظهور و غلبه با حجت و بیان است. و آیه بشارت به غلبه است. و غلبه افزایش یا تقویت این حجت است^{۲۱}. از نظر برخی نیز معنای آیه این است که دین اسلام بر همه ادیان با حجت و برهان و نیز با غلبه بر نواحی مشرکان و با قهر و تسلط بر آنان برتری می یابد^{۲۲}. برخی نیز تحقق وعده خدا را در آیه سیطره دین، زمانی می دانند که خداوند فرمود: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (المائدة، ۳/۵) و نیز معنای آیه به قول برخی تسلط و برتری حجت و برهان دین اسلام

قرآن و امام زمان (ع)

بر سایر ادیان است . ۲۳

ب : دیدگاه انحصار سیطره دین حق در عصر ظهور : غالب مفسرانی که قائل به این دیدگاه هستند ؛ از روایات بهره گرفته اند و غالباً با ذکر یک یا چند روایت از توضیح بیشتر ، صرف نظر کرده اند . برخی از قول امام صادق (ع) نقل کرده اند که فرمودند : «به خدا سوگند که تأویل آن نازل نشده است و تأویل آن نازل نمی شود تا زمانی که حضرت قائم (ع) خروج کند ؛ پس هنگامی که خروج کرد ، کافر به خداوند بزرگ باقی نمی ماند و نه مشرک به امام ؛ مگر آنکه خروج او را ناپسند شمارد تا این که اگر کافر یا مشرکی در دل سنگی باشد ، آن سنگ گوید : ای مؤمن در دل من کافری است مرا بشکن و او را بکش . ۲۴

برخی از مفسران ، دیدگاه خود را دقیقاً مطرح کرده اند . به عنوان نمونه مفسری می نویسد : آیه ۳۳ سوره توبه نیز مثل آیه ۹ سوره صف است و نیز در سوره فتح با اندک تفاوت در انتها آمده است : «... وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» و این جمله ایجابی نسبت به شهادت خداوندگار ، سلبی بودن نیرنگ مشرکان را در سر سبز شدن اظهار محمد (ص) بر همه ادیان را کامل می کند و این وعده حق از زمان رسول خدا (ص) تا الآن محقق نشده است و دین او از زمانی که مبعوث شد ، ناسخ سایر ادیان است ؛ اما در واقعیت زندگی چیرگی دارد و هر ظاهری از دین زیر سایه آن می رود و اگر قصد ، فقط به جانب نسخ باشد ، این امری است که در هر شریعت اصلی برای پیامبران اولوالعزم بدون اختصاص به آخرین آنان ، حاصل است ؛ همان طور که آن برای این ادیان اصل است و نهایت ندارد اینجا ، «لیظهره» نهایت است و اظهار با حجت نیست ؛ چرا که با سایر ادیان بر حق مشترک است . در این هنگام آشکار می شود که «لیظهره» حقیقت اظهار او است بدون این که در عالم ، حکم شرعی باقی بماند و این جز در زمان حضرت امام مهدی (ع) از خاندان محمد (ص) نیست ؛ آنجا که دولت او بر همه عالم سیطره می یابد . ۲۵

ارزیابی دیدگاه ها

چنان که گذشت هیچ یک از مفسران با ارتباط آیه با عصر ظهور امام مهدی (ع) و نزول حضرت عیسی (ع) ، مخالفت صریح نکرده اند . در عین حال اگر به مفاد آیات مربوطه توجه می نمودند ، همگی آیات را به نحو تعیین مرتبط با عصر ظهور می دانستند .

برای اثبات این نظریه می بایست سیاق و مفاد آیات و نیز روایات مرتبط بررسی شود.

الف: سیاق و مفاد آیات:

۱. خداوند می فرماید: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ ...» تا «... سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (التوبة، ۹/۲۹-۳۱) خداوند در این آیات ابتدا می گوید: «با کسانی که به خدا و روز قیامت ایمان ندادند و حرام خدا و رسول را حرام نمی شمردند و تحت دین حق نیستند و آن را اطاعت نمی کنند؛ بجنگید تا به دست خود جزیه دهند در حالی که کوچک شمرده شده اند. یهود گفت عزیز پسر خدا است و نصاری گفت عیسی (ع) پسر خدا است؛ اما این سخنی است به دهان هایشان و برابر است با سخن کسانی که پیش از این کافر شدند. همین گروه، دانشمندان خود و مسیح پسر مریم (ع) را به جای خدا به عنوان رب گرفتند؛ در حالی که مأمور بودند فقط معبود یگانه را عبادت کنند». از این آیات به دست می آید که بحث اساسی و مهم، موضوع توحید عبادی بوده است؛ چرا که مخاطب آیه مأمور است با گروهی که آن ویژگی های مذکور را دارند بجنگد و از جمله مهمترین این ویژگی ها حرام ندانستن حرام الهی و تحت دین حق نبودن و آن را گردن نهادن است و این خلاف توحید عبادی است و یهود و نصاری نیز در همین وادی به خطا رفتند و دانشمندان دینی و حضرت مسیح (ع) را ارباب خود قرار داده عبادتشان کردند. این گروه ها با این رفتارهای ناشایست طبق آیه: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (التوبة، ۹/۳۲)؛ «می خواستند نور خدا را خاموش کنند». بنابراین نور خدا همان کلمه توحید در بعد عبادی است و وعده و بشارتی که خداوند در پایان در آیه: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (التوبة، ۹/۳۳) می دهد همان وعده به چیرگی آئین توحیدی اسلام است. نتیجه آن که با توجه به سیاق آیه سوره توبه، مراد از آنچه ظهور می یابد، دین حق است.

۲. در دو مورد از آیات مورد بحث، سخن از تصمیم دشمنان برای اطفای نور خدا است. در سوره توبه خداوند متعال فرمود: «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ» (التوبة، ۹/۳۲)؛ «می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند». و نیز فرمود: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ ...» (الصف، ۸/۶۱)؛ «می خواهند نور خدا را به دهان هایشان

خاموش کنند...». در تفاوت تعبیر اطفاء نور خدا در این دو آیه برخی گفته اند: در آیه سوره توبه خود اطفاء نور و در آیه دیگر وسیله ای که به واسطه آن نور اطفاء می شود، اراده شده است.

۳. در هر دو آیه، علی رغم اراده دشمنان بر خاموش کردن نور خدا، سخن از اتمام نور خدا است. این اتمام نور مطابق معنای لغوی اتمام به نهایت درجه رسیدن و بی نیازی آن است که در یک آیه به صورت فعل «يَأْتِي اللَّهَ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ» (التوبة، ۹/۳۲) و در آیه دیگر به صورت اسم فاعل «وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ» (الصف، ۶۱/۸) آمده است. مطابق ادبیات عرب کاربرد فعلی؛ تدریج و کاربرد اسمی؛ ثبات را می رساند و خداوند به هر دو معنا نور خود را به اتمام می رساند. در هر دو آیه مذکور این اتمام نور خدا را کافران نمی پسندند. «وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (التوبة، ۹/۳۲؛ الصف، ۶۱/۸).

۴. خداوند در سوره صف می فرماید: «وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ * وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (الصف، ۶۱/۹-۶). در این آیات سخن از این است که حضرت عیسی (ع) به بنی اسرائیل بشارت آمدن پیامبری به نام احمد را داد؛ ولی وقتی این پیامبر با دلایل روشن آمد؛ گفتند سحر است و اینها به خدا دروغ نسبت می دهند و می خواهند نور خدا را به وسیله ای خاموش کنند؛ اما خداوند نور خود را به نهایت می رساند؛ پس معنای آیه نهم با توجه به ارتباط با آیات گذشته این است که خداوند به اسلام که دین پیامبر اسلام (ص) است غلبه و تسلط بر سایر ادیان را می بخشد، به نحوی که علی رغم میل مشرکان فراگیر شود. باز چون سخن از میل نداشتن کافر و مشرک است معلوم می شود، غلبه با آئین توحیدی است.

۵. خداوند می فرماید: «لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ

آیات قرآن و حضرت مهدی (ع)

شَهِيداً» (الفتح، ۲۷/۴۸-۲۸) در این آیات سخن از این است که رؤیای فتح مکه پیامبر اکرم (ص) محقق خواهد شد. پس از آن خداوند از اظهار دین بر سایر ادیان سخن می گوید. نتیجه می شود که نوع اظهار بر ادیان، از جنس فتح و غلبه بر مکه است.

۶. با توجه به این که در آیات سوره توبه و صف سخن از میل نداشتن مشرکان نسبت به ظهور دین است و نیز سخن از غلبه آیین توحید عبادی است و این که اهل مکه، غالباً بت پرست بودند؛ از جمع میان آیات سه سوره توبه، صف و فتح، نتیجه می شود که بشارت خداوند، غلبه ای از جنس غلبه بر مکه در سطحی فراگیر و بزرگتر از آن است؛ به طوری که آیین توحید عبادی فراگیر شود.

۷. گرچه مطابق سه دسته آیات مذکور، سخن از غلبه آیین توحید عبادی است؛ اما این غلبه با توجه به آیات سوره صف، همراه با پذیرش رسالت حضرت محمد (ص) است.

۸. گرچه ترکیب «ظَهَرَ عَلَيَّ» به معنای اطلاع نیز به کار رفته است؛ اما این معنا با سیاق آیه که بحث توحید عبادی است سازگار نیست. به علاوه اگر «ظَهَرَ» را تنها به معنای بروز یافتن و آشکار شدن بدانیم؛ علاوه بر آن که در این صورت، کاربرد «عَلَيَّ» را نادیده گرفته ایم، با انتهای آیه که سخن از ناپسند داشتن مشرکان از آن امر است؛ سازگار نخواهد بود؛ چرا که آنان صرف بروز دین را ناپسند نمی شمردند؛ بلکه غلبه اش را ناگوار می دانستند و اگر ترکیب «ظَهَرَ عَلَيَّ» را مطابق لغت به معنای ظاهر و یاری رسانی بگیریم نیز همین اشکال وجود خواهد داشت. در نتیجه معنای آن، پیروزی یافتن و غلبه پیدا کردن است که علاوه بر سازگاری با لغت با سیاق نیز سازگار است و در غلبه معنای ظهور و اطلاع و یاری رسانی نیز نهفته است.

۹. با توجه به تناسب بین غالب و مغلوب، وقتی مغلوب از جنس دین «عَلَى الدِّينِ كَلِّه» (التوبة، ۳۳/۹؛ الصف، ۶۱/۹؛ الفتح، ۴۸/۲۸) است، غالب «هَاء» در «لِيُظْهَرَهُ» نیز چیزی متناسب آن و باید از جنس دین باشد. ۲۶

۱۰. طبق قاعده بازگشت ضمیر به مرجع نزدیکتر؛ ضمیر «هَاء» در «لِيُظْهَرَهُ» به «دِينِ الْحَقِّ» باز می گردد. ۲۷

۱۱. کسانی که ضمیر «هَاء» را راجع به رسول گرفته اند، ناچار اهل را بر سر «الدِّين» در تقدیر گرفته اند و تقدیر نگرفتن بر گرفتن اولی است.

ب: روایات: روایات ذیل این آیه را میتوان به دو دسته کلی تقسیم نمود:

۱. روایات ارائه دهنده ملاک برای تطبیق آیه: مفاد این روایات شامل فراگیری اقرار مردمان به اصول دین یا اطاعت از آن است. از جمله مهمترین بخش دین، اعتقاد به توحید و نبوت است. مطابق این گروه روایات، ضمیر «هاء» در «لِيُظْهِرَهُ» به «دِينِ الْحَقِّ» باز می‌گردد و نه رسول. از جمله این روایات روایتی است از امیرالمؤمنین علی (ع) که فرمود: «آیه در آینده آشکار خواهد شد». گفتند: آری. فرمود: «هرگز چنین نیست؛ پس سوگند به کسی که جانم به دست او است هیچ شهری باقی نمی‌ماند، مگر این که در آن یگانگی خداوند و رسالت محمد (ص) صبح و شام ندا داده می‌شود»^{۲۸}. همچنین امام باقر (ع) در مورد این آیه فرمود: «هیچ کسی باقی نمی‌ماند؛ مگر این که به [نبوت] محمد (ص) اقرار کند»^{۲۹}. در حدیث مناجات موسی (ع) با خداوندگارش نیز آمده است که هنگامی که او محمد (ص) را یاد کرد؛ خداوند فرمود: «کلمات من به نهایت رسید و قطعاً دین او را بر همه ادیان غلبه می‌دهم و قطعاً من در هر جا عبادت می‌شوم»^{۳۰}. از مقدار بن آسود نیز از رسول خدا (ص) نقل است که می‌فرمود: «هیچ خانه گلین و موئین در روی زمین به جای نماند جز آن که کلمه اسلام در آن داخل گردد، یا با عزت و یا به خواری. یا این که اسلام آنان را عزیز گرداند و خدا آنان را اهل این دین گرداند و در نتیجه به وسیله آن عزیز گردند، و یا خوارشان گرداند و به خواری تحت اطاعت اسلام در آیند»^{۳۱}.

همه این روایات و روایات مشابهی که در این گروه آیات جای می‌گیرند، ملاک برای تطبیق ارائه می‌دهند. باید دید که چگونه با تنقیح مناط از آیه این ملاک به دست آمده است. پاسخ این که وقتی با توجه به مفاد و سیاق آیه به دست آمد که سخن از غلبه آیین توحید عبادی به همراه پذیرش رسالت حضرت محمد (ص) است؛ این نتیجه به دست آمد.

۲. روایات تطبیقی: گروه دوم روایات، روایاتی است که آیه با مصداقی بیرونی تطبیق شده است. طبق برخی از این روایات که بیشینه روایات این باب را تشکیل می‌دهد، «هاء» ضمیر در «لِيُظْهِرَهُ» به «دِينِ الْحَقِّ» باز می‌گردد و طبق روایات کمینه این باب، به رسول باز می‌گردد.

الف: بازگشت ضمیر به دین الحق؛ روایات تطبیقی که بر طبق آن «ها» ضمیر به «دینِ الْحَقِّ» باز می‌گردد، به نوع خود، چند بخش هستند:

بخش اول این روایات؛ شامل روایاتی است که از آنها انحصار تحقق آیه به زمان خروج حضرت مهدی (ع) به دست می آید. به عنوان نمونه امام صادق (ع) درباره این آیه فرمود: «به خدا سوگند تاویل آن نازل نشده است و نخواهد شد تا زمانی که حضرت قائم (ع) خروج کند...»^{۳۲}. سبک بیانی این روایت که در ابتدا بیان نفی و سپس بیان اثبات است، گویای انحصار است. همچنین امام باقر (ع) درباره این آیه فرمود: «این، زمان خروج مهدی (ع) از خاندان محمد (ص) است»^{۳۳}. نیز در حدیثی از امام حسین (ع) است که فرمود: «دوازده مهدی از ما است. اولینشان امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) است و آخرینشان، نهمین از نسل من است و او برپاکننده حق است و زمین را بعد از مردنش زنده می کند و دین حق را بر همه ادیان چیرگی می دهد؛ هر چند مشرکان نپسندند»^{۳۴}. سده نیز گفت: این هنگام خروج مهدی (ع) است و کسی باقی نمی ماند جز این که وارد اسلام شود و یا مالیات پردازد.^{۳۵}

بخش دوم این روایات؛ روایاتی است که مطابق آنها تحقق آیه مربوط به خروج عیسی (ع) است. به عنوان نمونه از امام باقر (ع) نقل است که درباره این آیه فرمود: «هنگامی که عیسی (ع) خروج کند، اهل هر دینی از او پیروی کند»^{۳۶}. از جابر نقل است که درباره آیه مورد بحث فرمود: چنین نخواهد شد تا این که هیچ یهودی و نصرانی صاحب آئین باقی نماند مگر اسلام، تا این که گوسفند از گرگ و گاو از شیر و انسان از مار در امان باشد و تا این که جزیه قرار داده شود و صلیب شکسته شود و خوک کشته شود و اینها زمانی است که عیسی بن مریم (ع) نازل شود^{۳۷}. همچنین از ابوهریره نقل است که درباره این آیه گفت: هنگام خروج عیسی بن مریم (ع) است^{۳۸}. نیز از او و ضحاک نقل است که گفت: آن هنگام خروج عیسی (ع) است. هنگامی که خروج کرد، همه دین ها از او پیروی می کنند و همه یکی می شوند و هیچ اهل دینی باقی نمی ماند؛ مگر آن که وارد اسلام شود یا به مسلمانان جزیه پردازد^{۳۹}. از قتاده نیز درباره این آیه نقل است که گفت: ادیان، شش مورد هستند: مؤمنان و یهودیان و صائبان و مسیحیان و مجوسیان و مشرکان؛ پس از همه ادیان وارد دین اسلام می شود و اسلام داخل چیزی از آن ها نمی شود و خداوند در مورد آن قضاوت می کند و خداوند نازل کرد که دینش را بر همه ادیان چیره گرداند و این، زمان خروج عیسی بن مریم (ع) است.^{۴۰}

بخش سوم؛ روایاتی است که از همزمانی ظهور مهدی (ع) و نزول عیسی (ع) سخن می گوید. به عنوان نمونه امام باقر (ع) فرمود: «قائم از خاندان ما یاری شده با ترس و تأیید شده با یاری است. زمین را برای او پیچید و برای او گنج ها را آشکار کرد و سلطنت او را تا شرق و غرب عالم رساند و خداوند دینش را بر همه ادیان هر چند مشرکان نپسندند، چیرگی داد؛ پس در زمین هیچ خرابه ای نمی ماند، مگر آن که او آن را آباد کند و عیسی بن مریم (ع) نازل می شود و به امامت او نماز می خواند»^{۴۱}. درباره اقامه نماز حضرت عیسی (ع) به امامت حضرت مهدی (ع) احادیث فراوانی هست^{۴۲}. این گروه روایات نشان می دهد که زمان ظهور حضرت مهدی (ع) و نزول عیسی بن مریم (ع) هم زمان است.

ب: بازگشت ضمیر به رسول؛ برخی روایات تطبیقی نیز در این باب وجود دارد که بر طبق آنها ضمیر به رسول باز می گردد. تعداد این گروه روایات بسیار محدود و در جایگاه حدقلی است. به عنوان نمونه از ابن عباس در ذیل آیه نقل است که فرمود: خداوند پیامبرش را بر همه امر دین آگاه می کند و همه آن را به او می بخشد و چیزی از آن بر او مخفی نمی ماند و مشرکان و یهودیان این را نمی پسندند.^{۴۳}

نتیجه گیری

از مجموع سیاق آیات اظهار دین، واژه شناسی و روایات مربوطه؛ موارد زیر به دست می آید:

۱. مراد از آنچه اظهار می شود، دین است؛ نه رسول.
۲. معنای اظهار، غلبه و تسلط و چیرگی است و نوع آن از جنس فتح مکه است و در آن یاری رسانی و اطلاع که از معانی دیگر آن است، در آن نهفته است.
۳. گستره اظهار دین، چنان است که همه ادیان دیگر تحت تسلط آن قرار می گیرد.
۴. در این غلبه و چیرگی، اصالت با کلمه توحید است، گرچه توأم با پذیرش رسالت پیامبر (ص) است.
۵. تحقق آیه منحصر در زمان ظهور حضرت مهدی (ع) است که با نزول عیسی (ع) و اقتدای او به امام مهدی (ع) همزمان است.

- ١ . بررسی تطبیقی تفسیر آیات مهدویت و شخصیت شناسی ٢٢ . مجمع البیان، ٣٨/٥ .
- امام مهدی (ع) در دیدگاه فریقین «نجار زادگان» ٣٥-٣٨ . ٢٣ . الكشف و البیان، ٣٦/٥ .
- ٢ . لسان العرب، ٤/١٤ .
- ٣ . مفردات ألفاظ القرآن/ ٥٨ .
- ٤ . همان/ ١٦٨ .
- ٥ . کتاب العین، ٧٨/٤ .
- ٦ . مفردات ألفاظ القرآن/ ٨٣٥ .
- ٧ . مفاتیح الغیب، ١٦/ ٣٢؛ مجمع البیان، ٣٨/٥؛
- تفسیر نمونه، ٧/ ٣٧٠ .
- ٨ . التبیان، ٥/ ٢٠٩ .
- ٩ . لسان العرب، ١٣/ ١٦٧ .
- ١٠ . کتاب العین، ٨/ ٧٣؛ مفردات ألفاظ القرآن/ ٣٢٣ .
- ١١ . مجمع البیان، ٥/ ٣٨؛ جامع البیان، ١٠/ ٨٢؛ روض الجنان و روح الجنان، ٩/ ٢٢٦؛ التبیان، ٥/ ٢٠٩؛
- المیزان، ٩/ ٢٤٧؛ تفسیر نمونه، ٧/ ٣٧٠ .
- ١٢ . کتاب العین، ٤/ ٣٧ .
- ١٣ . مفردات ألفاظ القرآن/ ٥٤٠ .
- ١٤ . جامع البیان، ١٠/ ٨٢ .
- ١٥ . تفسیر الصافی، ٢/ ٣٣٨ .
- ١٦ . الکشاف، ٢/ ٢٦٥؛ روح البیان، ٩/ ٤١٦ .
- ١٧ . معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، ٢/ ٣٤٠-٣٤١؛
- روح الجنان و روح البیان، ٩/ ٢٢٦ .
- ١٨ . التبیان، ٥/ ٢٠٩ .
- ١٩ . المیزان، ٩/ ٢٤٧ .
- ٢٠ . التبیان، ٥/ ٢٠٩ .
- ٢١ . مفاتیح الغیب، ١٦/ ٣٢-٣٣ .
- ٢٢ . مجمع البیان، ٥/ ٣٨ .
- ٢٣ . الكشف و البیان، ٥/ ٣٦ .
- ٢٤ . نور الثقلین، ٢/ ٢١١-٢١٢؛ کنز الدقائق، ٥/ ٤٤٥؛
- تفسیر الصافی، ٢/ ٣٣٨ .
- ٢٥ . الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ١٣/ ٤٤-٤٥ .
- ٢٦ . قرآن و ظهور حضرت مهدی (ع) «رضوانی»/ ١٥ .
- ٢٧ . همان .
- ٢٨ . تفسیر الصافی، ٢/ ٣٣٨ .
- ٢٩ . نور الثقلین، ٢/ ٢١٢ .
- ٣٠ . تفسیر الصافی، ٢/ ٣٣٨ .
- ٣١ . نور الثقلین، ٢/ ٢١٢-٢١٣؛ تفسیر الصافی، ٢/ ٣٣٩؛
- الكشف و البیان، ٥/ ٣٦ .
- ٣٢ . نور الثقلین، ٢/ ٢١١-٢١٢؛ تفسیر الصافی، ٢/ ٣٣٨ .
- ٣٣ . تفسیر الصافی، ٢/ ٣٣٨ .
- ٣٤ . نور الثقلین، ٢/ ٢١٢؛ کنز الدقائق، ٥/ ٤٤٥ .
- ٣٥ . الکشف و البیان، ٥/ ٣٦ .
- ٣٦ . جامع البیان، ١٠/ ٨٢ .
- ٣٧ . الدر المنثور، ٣/ ٢٣١ .
- ٣٨ . جامع البیان، ١٠/ ٨٢ .
- ٣٩ . الكشف و البیان، ٥/ ٣٥-٣٦ .
- ٤٠ . الدر المنثور، ٣/ ٣٣١ .
- ٤١ . نور الثقلین، ٢/ ٢١٢؛ تفسیر الصافی، ٢/ ٣٣٨ .
- ٤٢ . ر . ک : تفسیر القمی، ١/ ١٥٨؛ تفسیر فرات الکوفی/ ٤٦٥؛
- الأمالی و الخصال «صدوق»، ١/ ٣٢٠؛ عیون أخبار
- الرضا (ع)، ٢/ ٢٠٢؛ کمال الدین و تمام النعمة، ١/ ٢٢ .
- ٤٣ . الدر المنثور، ٣/ ٢٣١؛ جامع البیان، ١٠/ ٨٢ .